



The Role of the Government in Realizing Economic Justice Based on Quranic Teachings

Zahra Haj Kazemi¹ | Mehdi Ismaili Sadrabadi²

Vol. 8
Summer 2022

Research Paper

Received:
25 May 2022
Revised:
19 November 2022
Accepted:
19 November 2022
Published:
21 September 2022
P.P: 159-176

ISSN: 2008-3564
E-ISSN: 2645-5285



Abstract

The government's involvement in various affairs is one of the issues that have always been the focus of planners, thinkers and even people, and each of them has investigated it from different angles. The main goal of this research is the actions and policies of the government to establish economic justice in the society, for the implementation of which it is necessary to focus all its duties and policies in order to realize this issue. This will not be achieved alone unless the people support them as the main supporters of the Islamic society. Therefore, we are trying to analyze the most important actions of the government in this regard with descriptive and analytical method and with reference to Quranic, narrative, historical, etc. 2 consumption control in order to achieve public welfare, 3 taxes and government support for producers. 4 The participation of the government and the nation in spirituality and ethics and. The research results showed that the government's policies have been effective in improving or weakening economic justice. What is certain is that the government can discover the extent of these effects by fully understanding the Islamic society and planning correctly to lead to the improvement of the economic system.

Keywords: Government Intervention; Economic Relationship; Policies; Quran and Hadiths; the Role of the People.

1. Corresponding author: Master's degree in Quranic Sciences and Education University, Tehran, Iran.
kazemizahra139@yahoo.com
2. Assistant Professor of Quranic and Hadith Sciences, Department of Theology and Islamic Studies, Hazrat Narjes Faculty of Humanities, Qom, Iran.

Cite this Paper: Haj Kazemi, Z & Ismaili Sadrabadi, M. (2022). The Role of the Government in Realizing Economic Justice Based on Quranic Teachings. *State Studies of Contemporary Iran*, 2(8), 159–176.

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0).



نقش دولت در تحقق عدالت اقتصادی بر اساس آموزه‌های قرآنی

زهرا حاج کاظمی^۱ | مهدی اسماعیلی صدرآبادی^۲ ID

سال هشتم
تابستان ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۴
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۳۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۳۰
صص: ۱۷۶-۱۵۹

شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۴۵۲۸
الکترونیکی: ۵۰۷۲-۲۶۴۵



چکیده

دخالت دولت در امور مختلف از جمله مباحثی است که همواره مورد توجه، برنامه‌ریزان اندیشمندان و حتی مردم قرار گرفته است و هر کدام از زوایای مختلف به بررسی آن پرداخته‌اند. هدف اصلی این تحقیق، اقدامات و سیاست‌های دولت جهت برقراری عدالت اقتصادی در جامعه که برای پیاده‌سازی آن لازم است تمامی وظایف و سیاست‌های خود را در راستای تحقق این مسئله معطوف کند. این امر به تنهایی محقق نخواهد شد مگر اینکه در کنار آن مردم به‌عنوان حامیان اصلی جامعه اسلامی از آنان حمایت نمایند. از این رو با روش توصیفی-تحلیلی و با استمداد از دلایل قرآنی، روایی، تاریخی و ... تلاش داریم مهم‌ترین اقدامات دولت در این باره را مورد بررسی قرار دهیم که عبارتند از: ۱- تأمین نیازهای اقتصادی و معیشتی در جهت رفع فقر. ۲- کنترل مصرف در جهت تحقق رفاه عمومی، ۳- مالیات و حمایت دولت از تولیدکنندگان. ۴- مشارکت دولت و ملت در معنویت و اخلاق و ... نتایج تحقیق نشان داد که سیاست‌گذاری‌های دولت توانسته است در بهبود و یا تضعیف عدالت اقتصادی مؤثر باشد. آنچه مسلم است آن که دولت می‌تواند با توجه به شناخت کامل از جامعه اسلامی و برنامه‌ریزی صحیح میزان این اثرگذاری‌ها را کشف نموده تا به بهبود نظام اقتصادی منجر شود.

کلیدواژه‌ها: دخالت دولت؛ رابطه اقتصادی؛ سیاست‌گذاری‌ها؛ قرآن و روایات؛ نقش مردم.

۱. نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران. kazemizahra139@yahoo.com
۲. استادیار علوم قرآن و حدیث، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی حضرت نرجس، قم، ایران.

استناد: حاج کاظمی، زهرا و اسماعیلی صدرآبادی، مهدی (۱۴۰۱)، نقش دولت در تحقق عدالت اقتصادی بر اساس آموزه‌های قرآنی، *دولت پژوهی ایران معاصر*، ۸(۲)، ۱۷۶-۱۵۹.

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27831914.1401.8.2.6.1>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه

از مسائل مطرح در جامعه، موضوع عدالت که از میان آنان می‌توان به عدالت اقتصادی اشاره کرد. دولت باید درصدد کسب استقلال سیاسی و پس از آن رسیدن به استقلال اقتصادی باشد که برای محقق شدن آن باید به گونه‌ای عمل کند که ساختار اقتصادی کشور موجب رفاه و اقتدار آنان شود. از این رو می‌طلبند همه کسانی که در دستگاه‌های گوناگون مشغول به کار هستند این مسئله را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حرکت خود به حساب آورند و در رسیدن به آن تلاش و دقت لازم را انجام دهند. گرچه برای تحقق اهداف مورد اشاره اقدامات بسیاری اعمال شده است، اما متأسفانه در گذشته به‌خاطر مواجهه کشور با جنگی ناخواسته، طولانی و نیز متأثر شدن ارکان اقتصادی، اجتماعی شرایط طوری رقم خورد که پس از پایان جنگ میل و اشتیاق به بازسازی خرابی‌های ناشی از آن و ایجاد رونق اقتصادی برای یکی دو دهه مسیرهایی را پیمودند که تناسبی با آنچه می‌بایست بدان اهتمام می‌شد نداشت. (عیوضلو، ۱۳۸۴، ص ۸۵). با این حال، نتیجه آن شد که پس از دهه چهارم از عمر انقلاب مشکلات و مباحث دیگری مانند اشتغال‌زایی، کارایی و بهره‌وری حول این محور ایجاد شد که امروزه باید مورد توجه دولتمردان واقع شود. با توجه به اهمیت این مسئله، در این راستا مقالات متعددی از سوی محققان نوشته شده که هر یک به بُعدی از مسائل اقتصادی پرداخته‌اند. کتاب «اقتصاد عدالت محور»، حسن سبحانی که توسط انتشارات سروش و در سال ۱۳۸۸ نوشته شده است. از مهم‌ترین فصول این کتاب فصل ۴ است که نویسنده سعی کرده ضمن تأکید بر مبانی حیاتی و فلسفی نظام اقتصادی، الگوی نظام اقتصادی را استخراج نموده و در ادامه تلاش کرده همراه با ردّ شبهات در این خصوص بر کارآمدی آن برای تحقق نظام اقتصادی تأکید می‌کند. همچنین کتاب شاخص‌های مکتب حضرت امام خمینی (ره) توسط مؤسسه فرهنگی قدر ولایت در سال ۱۳۹۴ اشاره کرد. این کتاب در چهار فصل تنظیم شده است فصل اول؛ کلیات. فصل دوم؛ مبانی عدالت از دیدگاه امام خمینی (ره) فصل سوم؛ بایسته‌های راهبردی عدالت، و بخش پایانی آسیب‌شناسی عدالت در جمهوری اسلامی از دیدگاه امام خمینی می‌پردازد. مقاله «راهبردهای توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی» نوشته محمدحسین شریف‌زادگان، در سال ۱۳۸۶ و شماره ۲۴ فصلنامه رفاه اجتماعی نوشته شده نگارنده ابتدا پس از

بررسی مفهوم‌شناسی، به بررسی نظریات اندیشمندانی چون کانت می‌پردازد. در ادامه به بررسی سیاست‌های مربوط به جامعه رفاهی و جامعه ریسکی می‌پردازد. در پایان به این نتیجه رسیدند که این دو مقوله توانسته تضمین‌کننده رشد و رفاه اجتماعی در ایران باشند. پرویز داودی و دیگران «با عنوان با بررسی آثار سیاست‌های اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران» در فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی و در سال ۱۳۸۴ شماره ۷ به چاپ رسید. نگارندگان به کمک یک شبیه‌سازی خرد، دست به برآورد یک «مدل‌سنجی» اقتصاد کلان زده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد سیاست‌گذاری‌های دولتی به شدت در بهبود و یا تضعیف نظام توزیع در جامعه مؤثر است. با این حال اگرچه به این موضوع در برخی آثار تحقیقی پرداخته شده ولی ما در این جا سعی کردیم به دو مقوله مهم اقتصادی یعنی دخالت دولت و اقداماتی که او می‌تواند در این راستا انجام داد تا عدالت اقتصادی در جامعه محقق شود و دیگری میزان مشارکتی که مردم در تحقق آن می‌توانند به دولت کمک کنند اشاره‌ای نماییم. از این رو به نوعی درخور نوآوری است.

مفهوم‌شناسی واژگان

۱- دولت

آنچه از شواهد تاریخی بر می‌آید حاکی از آن که؛ برای دولت از همان ابتدا تعریفی به وجود آمده است. از زمانی که انسان‌ها زندگی جمعی را آزمودند و به تدریج تجمع انسانی بیشتر گشت، انسان‌ها آموختند که اگر دور هم زندگی نمایند از منافع و محاسن بیشتری برخوردار خواهند بود. آنچه از اعماق تاریخ بر می‌آید آن است که در زمان ادريس پیامبر نیز طرز اداره اجتماعات انسانی توسط این پیامبر خدا به مردم آموخته شده است (رسول‌ی محلاتی، ۱۳۸۵، ص ۵۶). از این رو دولت نظام نهادی است که امتیاز فرمانروا و فرمانبرداری را در یک جامعه مشخص می‌کند می‌گویند. و ز چهار رکن اساسی، قلمرو، جمعیت انسانی، نظام قوانین، و سلطه تشکیل شده است (موريس دوو رژه، ۱۳۸۵، ص ۷۸). با این حال منظور ما از رابطه دولت و ملت در اینجا آن که؛ دولت از چه طریقی می‌تواند به درستی عدالت اقتصادی را در بین مردم رعایت نماید.

۲- نظریات مفهوم عدالت اقتصادی

در مبحث عدالت اقتصادی تعاریف گوناگونی از سوی اندیشمندان ذکر شده است. افلاطون عدالت را زمانی اجرا شده می‌داند که هر چیزی سر جای خود نشسته باشد عدالت اقتصادی را منحصر به دو عامل می‌داند. تقسیم کار بین طبقات پایین دست؛ و دیگری الغای مالکیت خصوصی درباره ثروت و برقراری یک نوع مالکیت اشتراکی بین حکمرانان، ایشان در واقع مالکیت خصوصی را فقط از طبقه اشراف و پاسداران لغو می‌کند و آن را تنها برای کارگران مجاز می‌داند (نفضلی، ۱۳۷۲، ص ۲۰). آمارتیا سن معتقد است برابری خواهی یک پدیده بی دلیل نیست. یک توجیه اخلاقی زمانی محقق می‌شود که تمامی افراد در شرایطی که در نظریه مورد نظر مهم است دارای اهمیت برابر باشند. وی همچنین بر قابلیت انسان‌ها در دستیابی به عملکردهایی که برای او ارزشمند هستند و به عبارت جامع‌تر بر آزادی افراد در پیشبرد آنچه که برایشان احترام و ارزش قائل هستند تأکید می‌ورزد و این قابلیت‌ها هستند که می‌توان بر اساس آن در مورد برابری و نابرابری اظهار نظر نمود (کومار سن، ۱۳۷۹، ص ۲۱). دیگری به معنای؛ ارزشی است که با فراگیر شدن آن، توزیع امکانات و ثروت در جامعه به گونه‌ای به سامان می‌رسد که حقوق شهروندان در حوزه‌های مالی و سرمایه‌ای، به تساوی مراعات می‌شود؛ یعنی عدالت اقتصادی آن است که با آن، همه مردم به حق خود از ثروت‌ها و درآمدهای جامعه، دست یابند (میرمعزی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۶). همچنین تأمین حداقل رفاه و آسایش برای همه افراد جامعه، تعیین مرزها و حدود مصرف، جلوگیری از بالارفتن سطح زندگی، انحصار و احتکار اموال، تجمع ثروت در دست طبقه خاص و تلاش برای فراهم کردن امکانات کار و فرصت تولید برای همگان است. اصل مداخله دولت در امور اقتصادی که به موجب آن دولت تولید را ارشاد می‌نماید به مثابه وسیله‌ای است که دولت اسلامی همواره برای ضمانت اجرای قوانین عمومی توزیع و جلوگیری از کجروی‌ها و تخلف از عدالت در اختیار دارد (صدر، ۱۳۶۰، ص ۳۰۲). نظریات گفته شده بر می‌آید که دولتمردان وظیفه دارند شرایط و امکانات یکسان را برای تمام مردم جامعه خود فراهم کنند تا همه به یک اندازه از آنان استفاده کنند.

دخالت دولت در بُعد اقتصادی

یکی از مهم‌ترین دخالت‌های دولت، توجه به بُعد اقتصادی است که از یک سو با پیشرفت و دیگری با ثبات رفاهی و اقتصادی همراه است. در سایه آن جامعه به آرامش فضای سیاسی و اجتماعی دست می‌یابد. از این رو برای تحقق آن می‌طلبد که دولت اقداماتی را در این عرصه انجام دهد که از مهم‌ترین آنان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- تأمین نیازهای اقتصادی و معیشتی در جهت رفع فقر

یکی از مهم‌ترین وظایف دولت تأمین نیازهای اقتصادی، معیشتی و مبارزه با فقر است که در مرتبه اول به عهده خانواده، در مرتبه دوم؛ از وظایف دولت و نظام حاکم بر جامعه و دیگری به عهده افراد توانمند است (دیلمی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۰). «افلاطون در کتاب جمهوریت، فقر را عامل از بین رفتن احساسات و در نتیجه، تشدید حس کینه‌توزی، انتقام‌جویی و بدبینی می‌داند. آمارها و پژوهش‌های انجام‌یافته نیز از افزایش میزان بزهکاری هنگام ازدیاد قیمت‌ها (و در نتیجه، عدم توانایی افراد در رفع نیازهای معیشتی خود) حکایت دارد» (ستوده، ۱۳۸۳، ص ۳۰). از سویی پاسخ بی‌حد و حصر به امیال و تفسیر فایده‌گرایان از رفاه با مفهوم سعادت سازگار نیست. سپردن عنان عقل به دست امیال نه تنها انسان را در مسیر عبودیت خدا قرار نمی‌دهد، بلکه از حرکت در این مسیر باز می‌دارد. از جهتی فقر مطلق؛ به آن وضعیتی گفته می‌شود که فرد نتواند نیازهای اساسی و حیاتی‌اش را تأمین کند از این رو ناپسند و نکوهیده است و شاید فقری که در روایات هم‌ردیف با کفر و جهل شمرده شده است همین نوع فقر باشد. این چنین فقری زمینه را برای ارتکاب گناه و تجاوز آماده می‌سازد و به ضعف ایمان و سستی دین می‌انجامد (حکیمی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۸۳). از این رو باید انگیزه افراد از مصرف در حالت مطلوب رفع نیاز در حد کفاف و میانه‌روی باشد. از پیامبر اکرم نقل شده که فرمودند: «اگر مواد غذایی نباشد و نخوریم و تغذیه نکنیم نه می‌توان نماز بخوانیم و نه می‌توانیم روزه بگیریم.» (کلینی، بی تا، ج ۵، ص ۷۳). سخن ایشان حاکی از آن است که ثروت و مصرف بیش از اندازه نباید در اختیار یک عده خاصی باشد؛ بلکه تمام انسان‌ها ضروری است که از حداقل منابع طبیعی نهایت استفاده را بکنند و از هرگونه اسراف و زیاده‌روی خودداری کنند. در چنین حالتی است که تمام انسان‌ها فقیر و غنی خواهند توانست از این منابع

خدادادی نهایت استفاده را بکنند. ایشان در کلامی دیگر فرمودند: «فقر مایه افتخار من است.» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹ش، ص ۳۲۳۰). اگر آن حضرت به فقر می‌بالیده از این جهت بوده که او رهبری بوده، و مانند هر رهبر پاکدامن دیگر، که مقام پراج رسالت و پیشوایی خلق را وسیله ثروت اندوزی قرار نداده است. آن بزرگوار افتخار می‌کرد بر خلاف رهبران خائن، فاسد و بندگان زر و سیم باشد که مقامات سیاسی و اجتماعی را وسیله‌ای برای جمع‌آوری پول، اعم از مشروع و نامشروع قرار می‌دهند (طیبی شبستری، ۱۳۴۸، ص ۸۰۷). ایشان فقر را مطلقاً برای همگان مایه افتخار نشموده‌اند بلکه فقط برای خود که مقام پیشوایی خلق را متصدی بودند، مزیت شمرده‌اند. پرواضح است که افتخارات رهبران واقعی، غیر از افتخارات مردم معمولی است امام علی (ع) در نامه ۵۳ نهج البلاغه در مورد وظیفه دولت اسلامی در قبال حمایت از طبقه فقیر و ناتوان فرمودند: «خدا را خدا درباره گروه فرودست بیچاره، از بینوایان و نیازمندان و ناتوانان که دستگیر و کارسازی ندارند، بعضی از این گروه در یوزه گردند و برخی روی گدایی ندارند پس حق آنان را که خدای پاسداری آن را از تو طلبیده است نگاه دار و آنان را از بیت‌المال که در اختیار توست نصیبی ببخش. دورافتادگان این طبقه را نیز همچون نزدیکانشان سهمی است و رعایت حقوق آنان بر عهده توست. برخی اوقات خویش را مخصوص واریسی به حال نیازمندان و دادخواهان قرار ده). ایشان خواستار بودند که در هر حالی باید به فکر فقرای اطراف خودت باشی. همچنین در این رابطه نمی‌توان از نقش انفاق غافل ماند آن گونه که خداوند فرمودند: «إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ»؛ (تغابن/۱۷)، (اگر به خدا قرض الحسنه دهید یعنی در راه او انفاق کنید آن را برای شما مضاعف می‌گرداند). آیه تلاش برای زندگی را در کنار جهاد فی سبیل‌الله قرار داده، و این نشان می‌دهد که اسلام برای این موضوع اهمیت زیادی قائل است، چرا که اگر اینگونه نباشد در حالی که یک ملت فقیر، گرسنه و محتاج به بیگانه، هرگز استقلال، عظمت و سربلندی نخواهد یافت و اصولاً جهاد اقتصادی بخشی از جهاد با دشمن است (طباطبایی، ۱۳۸۹ش، ج ۲۵، ص ۲۰۰). بنابراین وظیفه دولت است که بین فقر و سطح معیشتی مردم تعادل برقرار کند.

۲- بر پایی عدالت اقتصادی

از دیگر اقدامات دولت بر پایی عدالت اقتصادی است. «عدالت» بنیاد و قوام جامعه‌ی سالم است که بسیاری از زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی انحراف‌ها و جرایم را از میان می‌برد؛ افزون‌بر آن، هنگام بروز کجی و انحراف در جامعه، می‌کوشد تا با بهترین شیوه‌ی ممکن، حالت اعتدال را به جامعه بازگرداند؛ به گونه‌ای که حقوق مشروع افراد و کیان اجتماع لطمه‌ای نخورد. نقش کارساز و زیربنایی عدالت، انسان‌ها را همواره شیفته‌ی خود ساخته است و هیچ انسانی، هر چند ستمکار، از شعار عدالت‌خواهی و عدالت‌طلبی نمی‌گریزد. به عبارت دیگر، «عدالت» همواره در اندیشه و گفتار بشر، تقدس و ارزش داشته است، تا آنجا که ظلم بالسویه را نیز عدل خوانده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۶، شماره ۳-۲، ص ۴۵). احیای احکام دین، تثبیت ارزش‌ها، فقرزدایی، تکاثرزدایی و ... همه در گرو عدالت است. برای تحقق عدالت در یک جامعه وجود حکومت ضروریست. بی‌حکومتی، نتیجه‌ای جز هرج و مرج و گسترش اقدام‌های خودسرانه و نابسامانی‌های عظیم اجتماعی در پی ندارد. از دیدگاه امام علی (ع) بی‌حکومتی، عامل فتنه‌های همیشگی است و حکومت امیر ستمگر و فاجر را از بی‌حکومتی و بی‌قانونی بهتر و مطلوب‌تر می‌داند و می‌فرماید: شیر درنده، بهتر از سلطان ستمکار، و سلطان ستمکار، بهتر از فتنه‌های همیشگی است (دستی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳). از این رو در جامعه‌ای که عدالت در آن اجرا نشود، توده‌ها به‌طور کلی یا به وضعی مناسب به حقوق مختلف خویش نمی‌رسند؛ از جمله حقوق فرهنگی و تربیتی و برخورداری از امکانات مراحل آموزش و پرورش، تحصیلات عالی، سفر، استراحت و حتی عبادت. از این رو در محیط سیاست داخلی، عدالت اقتصادی یکی از چیزهایی که لازم است، به آن توجه شود؛ آنگونه که هدف پیامبران اقامه قسط و عدالت در جامعه است، مانند آیه «لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (تا مردم به عدل و داد برخیزند). این آیه ۲۵ از سوره حدید به صراحت بیان می‌کند که غالب پیامبران آمدند تا قسط و عدالت را اقامه کنند و مردم را از شر طاغوتیان و ظالمان نجات دهند (طبرسی، ۱۳۸۲، ج ۱۲، ص ۱۲۳). یقیناً آنچه صلاح جامعه است در سایه بسط عدالت و تأمین استقلال، آزادی، جریان‌ات اقتصادی و تعدیل ثروت به‌طور عاقلانه و قابل عمل و عینیت، در اسلام به‌طور کامل می‌باشد. از این رو می‌طلبد دولتمردان بدون در نظر گرفتن مصالح فردی خویش مصلحت مردم را بر خود ترجیح دهند و با نظارت دقیق و موشکافانه به تحقق عدالت اقتصادی بکوشند.

۳- کنترل مصرف در جهت تحقق رفاه عمومی

یکی دیگر از موارد دستیابی به رفاه عمومی است که به سطح رضایت و خشنودی تمام مصرف‌کنندگان بستگی دارد، چرا که برخی از انسان‌ها با رفاه و راحتی خویش از خدا غافل می‌شوند و از سویی منابع را به هدر می‌دهند و آنان مصداق بَطْر و تَرْف تعبیر شده‌اند. این درحالی است که قرآن کریم در آیات متعددی به حد مجاز هزینه زندگی را آن مقداری می‌داند که اسراف و تبذیری اتفاق نیفتد در آن صورت، مورد محبت پروردگارش قرار نخواهند گرفت. مهم‌ترین مستندات این دیدگاه آیه ۱۴۱ از سوره انعام «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اسراف نورزید که خداوند، اسراف‌کاران را دوست ندارد). از امام صادق (ع) در ذیل این آیه نقل شده است: «میان‌روی کاری است که خداوند آن را دوست دارد و از زیاده‌روی خشمناک می‌شود، زیرا آن هم برای کاری قابل استفاده است. خداوند حتی نمی‌پسندد زیادی آبی را که آشامیدنی است بیرون بریزی (ری شهری، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۰). از این جهت می‌طلبد جامعه اسلامی بر این مسأله توجه داشته باشد چرا که زیاده‌روی در مصرف هرچیزی باعث آسیب رساندن بر رفاه عمومی مردم خواهد شد در عوض کنترل مصرف، رفاه عمومی مردم را در پی خواهد داشت. امامان ما در دوران رهبری خود بر مردم تلاش می‌کردند خود را از وابستگی به مخالفانشان برحذر دارند و همیشه به مردمان زمان خود متذکر می‌شدند که اندازه نیاز خود چیزی را مصرف کنید. پیامبر اکرم فرمودند: «هرحاکمی که مسئول امور مسلمین باشد اما بی‌شائبه در جهت رفاه و بهرورزی آنان نکوشد با آنان وارد بهشت نخواهد شد (عبد الباقی، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۱۲۶). امام علی (ع) فرمودند: «نوک قلم‌های خود را تیز کنید و خطوط را نزدیک هم بنویسید. کلمات اضافی را برای من ننویسید و به معانی توجه کنید و از زیاده‌روی پرهیز کنید زیرا اموال مسلمانان تحمل ضرر را ندارد» (مجلسی، ۱۳۸۷، ج ۲۳، ص ۳۰). ایشان از نوک‌های قلم، صرفه‌جویی در بیت‌المال و جلوگیری از اسراف سخن گفته‌اند که نباید کمترین زیانی به این اموال برسد و از زیاده‌روی خودداری کنید. همچنین زمانی که متوجه شدند تمار خرماهای در سبدش را به دو قسم خوب و بد جدا کرده و می‌فروشد با خشم آن‌ها را به هم می‌ریزد و دستور می‌دهد خرماها را مخلوط و با یک قیمت متعادل و منصفانه فروشد (جرdaq، ۱۳۷۹، ص ۱۲۸). اقدام وی نشان داد کسی که رهبری بر مردم را

بر عهده می‌گیرد باید بر بازار خرید و فروش نیازهای مردم نیز نظارت داشته باشد؛ زیرا عدم تسلط بر بازار سبب بالارفتن قیمت‌ها و نیز وابستگی ما را به بیگانگان بیشتر خواهد کرد. متأسفانه امروزه شاهد هستیم که مصرف ما نسبت به تولیدمان بیشتر است و همین عامل سبب فقیر و گرسنه شدن افراد جامعه خواهد شد. در این چنین حالتی جامعه دچار مشکلات اقتصادی و وابستگی ما به دشمنان خواهد شد. از این حیث می‌طلبید مردم بر این مسأله توجّه داشته باشند و در حدّ نیاز خود کالایی را استفاده کنند. در این زمینه نقش دولت نیز بسیار مهم است و باید طوری اقتصاد جامعه را در دست گیرد که مردم با سختی روبه‌رو نشوند. در این زمینه می‌توان به حرکت حضرت یوسف (علیه السلام) اشاره کرد. ایشان زمانی که والی مصر شدند در پی خوابی که فرمانروای آن جا دیده بودند بعد از تعبیر خواب وی تصمیم گرفتند هفت سال وفور نعمت مصرف را به شدت کنترل کنند تا بتوانند قسمت مهمی از تولیدات را برای سال‌های سختی که در پیش‌رو بود، ذخیره نمایند. او در این باره توانست توفیقات بسیاری را به دست آورد و با آگاه کردن مردم مبنی بر اینکه در صورت مصرف زیاد بعدها با کمبود و قحطی روبه‌رو می‌شوید زمینه فراهم شد و مردم به وی و کارگزارانش همکاری نمایند. همین اقدام وی سبب شد در هنگام خشکسالی معیشت مردم با مشکل روبه‌رو نشود و سیاست اقتصادی ایشان در مصر نشان داد که یک اقتصاد اصیل و پویا نمی‌تواند همیشه ناظر به زمان حال باشد، بلکه تأثیرات آن بعدها می‌تواند آینده نسل‌های بعد را دربرگیرد (طبرسی، ۱۳۸۲، ج ۱۰، ص ۱۰۵). حرکت حضرت علی (علیه السلام) و خطاب او به مالک اشتر نیز جای تحسین دارد که فرمودند: «بازرگانان مردی آرماند و از ستیزه‌جویی آنان ترسی وجود نخواهد داشت، مردمی که آشتی طلبند که فتنه‌انگیزی ندارند، در کار آن‌ها بیندیش چه در شهری باشند که تو به سر می‌بری، یا در شهرهای دیگر همچنین این را بدان در میان بازرگانان افرادی هستند که تنها با احتکار و زورگویی به جایی رسیده‌اند، از احتکار کالا خودداری کن که رسول خدا به شدت از آن خودداری می‌کرد کسی که از منع تو احتکار کند او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود اما در کیفر اسراف مکن.» (ابن الحدید، ۱۹۹۰، خطبه ۲۹۲، ص ۷۸). ایشان بر تحقق روابط صحیح اقتصادی در جامعه از طریق تجارت و دادوستد معتقد بودند و سعی می‌کردند با کنترل کردن قیمت‌ها از گران شدن آن خودداری کنند؛ زیرا بالارفتن آن آسیب زدن به قشر فقیر را در پی خواهد داشت. در ذیل سخن حضرت (ع) از پیامبر نقل شده است که عدّه‌ای به پیامبر

گفتند که قیمت‌های بازار را تعیین کنند. حضرت به شدت ناراحت شدند و فرمودند: «من چنین کاری را بکنم؟ بالا و پایین رفتن قیمت‌ها از آن خداست.» بنابراین کنترل مصرف در زمان بحران یا حتی در زمان‌های عادی برای برنامه‌ریزی‌های درازمدت از وظایف حاکم دینی است هرچند در این مورد نقش مردم را هم می‌طلبد که در هنگام تأمین کالاهای مایحتاج زندگی و نیز در مصرف دیگر منابع چون آب، برق و گاز و ... رفاه دیگر مردم را هم در نظر بگیرند و بیش از نیازشان چیزی را استفاده نکنند در این صورت است که تمام مردم به رفاه نسبی خواهند رسید. از این‌رو فاصله طبقاتی باید برداشته شود و برابری در استفاده از امکانات و فرصت‌ها باید به‌وجود آید.

۴- مالیات و حمایت دولت از تولیدکنندگان

از دیگر موارد گرفتن مالیات؛ به معنای وجوهی است که دولت از درآمدها، اموال و دارائی‌های اشخاص حقیقی و حقوقی مالیات، دریافت می‌کند مالیات می‌گویند (ابوالفتحی قمی، ۱۳۷۱، ص ۲۴). قدرت دولت در گرفتن مالیات می‌تواند یک معیار و شاخص برای توانمندی حاکمیتی دولت به‌شمار آید. هرچه توان اخذ مالیات برای دولت بیشتر باشد، نقش حاکمیتی آن دولت قوی‌تر خواهد بود. از این‌رو دولت خدماتی عرضه می‌کند که می‌توان به دو نوع تقسیم کرد. بخشی به صورت مشخص به افراد معینی عرضه می‌شود که در برابر آن‌ها دولت می‌تواند مبلغی به‌عنوان اجرت و پاداش خدمات خود دریافت کند مانند عرضه آب آشامیدنی، برق و ... دیگری؛ عموم مردم به صورت نامعین و غیرقابل محاسبه بهره‌مند می‌شوند؛ مانند امنیت شهرها و راه‌ها، حفظ مرزها و ... دولت در برابر این‌ها نمی‌تواند مبلغ معینی به‌عنوان اجرت کار خویش دریافت کند (تقوی دامغانی، ۱۳۶۹، ص ۵۶). مالیات‌ها از آن جایی که منبع درآمد خوبی برای دولت‌ها می‌باشند، می‌توانند ابزاری برای بهبود توزیع مقداری درآمد در جامعه نیز به‌کار آیند. توانایی دولت‌ها برای استفاده بهینه و هدفمند از این ابزار قدرتمند باعث حذف بسیاری از نابسامانی‌های توزیعی می‌شود علاوه اینکه دولت دیگر مجبور نیست برای تأمین درآمدهای خود به استقراض وسیع از بانک مرکزی رو بیاورد و با کاهش ارزش پول ملی، تورمی سنگین برای جامعه خصوصاً قشر ضعیف ایجاد می‌سازد (خورشید، ۱۳۷۴، ص ۲۰۱). بلکه هدف دولت از این اقدام، بهبود اوضاع اقتصادی و رسیدگی به نیازهای جامعه است. از این‌رو هرچند مالیات مهم‌ترین رکن درآمد

هر دولتی محسوب می‌باشد، ولی در سیاست اقتصادی حفظ شخصیت مردم و وارد نشدن فشار مالی باید از ارکان اصلی سیاست‌های دولت به‌شمار آید (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۱، ص ۳۰). بنابراین می‌طلبد دولتمردان ما به این مسأله توجه بیشتری داشته باشند و اگر افرادی نتوانستند به دلایلی مالیات خود را پردازند از آنان چیزی دریافت نکنند مانند همان روشی که امام علی (علیه السلام) در این باره به کار بستند. وی در سال ۳۶ هجری در دستورالعملی به مأموران جمع‌آوری مالیات فرمودند: «هیچ مسلمانی را نترسانید، با زور به زمین یا خانه کسی وارد نشوید، بلکه بگویید ای بندگان خدا مرا ولی امر خدا و جانشین او فرستاده، تا حق خدا را که در اموال شماست تحویل بگیرم آیا در اموال شما حقی است که به نماینده او پردازید؟ اگر کسی گفت نه دیگر به او برای دریافت مالیات مراجعه نکنید (فیض الاسلام، ۱۳۷۰، ص ۳۴). نکته قابل توجه در این دستورالعمل شیوه دریافت مالیات است شیوه خود اظهاری مودیان شیوه‌ای مبتنی بر اختیار است نه جبر. این روش موجب روابط حسنه دولت و ملت می‌شود و فاصله میان آن‌ها را کاهش می‌دهد (معنی نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸). از آن جایی که فرد تولیدکننده و حمایت از آنان یکی از پایه‌های اقتصاد و پیشرفت کشورها به‌شمار می‌آید از این رو باید مورد توجه واقع شود. در آن راه تولیدکننده مستلزم هزینه‌هایی می‌شود. اگر این هزینه در راه فرایند تولید در راه خدا پردازد، رضایت خدا و پاداش خداوند را در پی خواهد داشت. اگر چیزی برخلاف آن باشد تنها سود به دست می‌آورد رضایت خاطر خداوند را در پی نخواهد داشت (عزّتی، ۱۳۹۴، ص ۳۲). از این رو می‌طلبد که تولیدکنندگان ما بر این مسأله توجه داشته باشند و تنها هدفشان از تولید کالا به صرف به دست آوردن سود نباشد بلکه تلاش کنند با تولیدات خود نیاز جامعه را از وابستگی به خارج نجات دهند. هرچند در این راه حمایت‌های دولتمردان را می‌طلبد که اگر به واسطه عوامل طبیعی و انسانی دچار آسیب شدند دولت به حمایت از آنان پردازد. این عامل سبب می‌شود تولیدکنندگان با رغبت بیشتر به تولیدات با کیفیت‌تر پردازند. امام علی (علیه السلام) در خطاب به مالک اشتر فرمودند: «مالیات و بیت‌المال را به گونه‌ای واریسی کن که صلاح مالیات‌دهندگان باشد، زیرا مالیات و مالیات‌دهندگان عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می‌باشد. باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع‌آوری خراج باشد که خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد؛ اگر یک سال، آفت‌زدگی باغ‌ها خشکسالی به وجود آورد در این چنین مواردی سعی کن از گرفتن مالیات‌های سنگین خودداری کنی به آنان

تخفیف بده، تا امورشان سامان یابد و هرگز تخفیف دادن در خراج تو را نگران نسازد زیرا آن اندوخته ای است که در آبادانی شهرها نقش دارد. در چنین حالتی رعیت تو را می‌ستاید. اگر در آینده بهشان کاری واگذار کنی با میل انجام خواهند داد. زیرا عمران و آبادانی قدرت تحمل مردم را زیاد می‌کند» (دستی، ۱۳۸۷، نامه ۵۳، ص ۲۳۶). از نکات مهم در اینجا ایجاد رفاه و آبادانی به‌عنوان زمینه پرداخت مالیات از طرف مردم می‌باشد و ایشان صلاح مالیات‌دهندگان را مقدم بر صلاح دولت می‌داند؛ زیرا به‌طور غیرمستقیم به نفع دولت هم خواهد بود. ایشان همچنین مالک را به حمایت از بازرگانان و صاحبان صنایع و خوش رفتاری با آنان سفارش کرده است و این طبقه از جامعه را پدیدآورندگان وسایل زندگی و آسایش معرفی می‌کند (دادگر، ۱۳۹۱، ص ۷۶). قرآن کریم بر این مسأله نیز توجه داشته است و یکی از اصلی‌ترین قواعد نظام اقتصادی دعوت کردن مردم به بازار دادوستد، رقابت‌های تجاری می‌دانند و مردم را تشویق می‌کنند که برای جلوگیری از وابستگی به بیگانگان در صدد ارائه تولیدات در زمینه‌های مختلف و نیز باید به گونه‌ای از این منابع حاصل شده استفاده کرد تا از وابستگی به تولیدات خارجی باز ماند. آیه ۲۰ سوره مزمل آنگونه که آمده است: «إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاقْرَأُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ آیه تلاش برای زندگی را در کنار جهاد فی سبیل الله قرار داده، این نشان می‌دهد که اسلام برای این موضوع اهمیت زیادی را قائل شده است، زیرا چنین نباشد درحالی که یک ملت فقیر، گرسنه و محتاج به بیگانه، هرگز استقلال و سربلند نخواهد یافت و اصولاً جهاد اقتصادی بخشی از جهاد دشمن است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۹۸۷). بنابراین میزان و سهم مالیات هر دولتی نشان از میزان قدرت حاکمیتی آن دولت دارد.

۵- توجه به اشتغال نیروی کار

از دیگر علل توجه به مسأله کار و شغل در نظام معیشتی است. این مسأله زمانی محقق می‌شود که میزان بیکاری از نرخ طبیعی بیکاری تجاوز نکند. نرخ طبیعی بیکاری، نرخ است که در آن بازار کار و محصول در تعادل به سر می‌برند و دستمزدها و قیمت کالاها هیچ‌گونه گرایش به کاهش یا تشدید ندارند (ویلیام نوردهاوس، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۲۶). این در حالی است که «کار از یک طرف به‌طور صحیح، موجب تخلیه‌ی نیروها و بارهای اضافی می‌شود و از طرف دیگر موجب احساس شخصیت، بهداشت روانی، تمرکز خیال، انصراف توجه در نیازها و ... می‌شود، که همه‌ی این‌ها زمینه‌های مساعدی برای تربیت اخلاقی است.» (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۴۱۱). اگر در جامعه گذری بزینم، می‌بینیم بیشتر افرادی که بیکار هستند مرتکب انواع جرایم می‌شوند. پس کار می‌تواند عاملی برای پیشگیری از این مسأله باشد. از این روی بیکاری گاهی علاوه بر آن که یک پدیده‌ی اقتصادی محسوب می‌شود می‌توان از آن به‌عنوان یکی از معضلات اجتماعی قلمداد کرد، فرد بیکار چون خود را سبب هیچ فایده و انگیزه‌ای نمی‌داند، دارای انرژی برای تخریب و کنش‌های غیرمعمول در جامعه می‌باشد (شفیع آبادی، ۱۳۷۳، ص ۶۰). از نظر جامعه‌شناسان کار، یک نوع فرایند است که از متن اجتماعی و فرهنگی جامعه تأثیر می‌پذیرد، از نظر تاریخی برای نخستین بار (کارل مارکس) اقتصاددان و جامعه‌شناس آلمانی کار را در معنای اجتماعی‌اش مطرح کرد به نظر وی کارکنشی است که بین انسان و طبیعت برقرار می‌شود و انسان در جریان تغییر طبیعت خود نیز تغییر می‌کند (حاجی‌زاد میمندی، ۱۳۷۳، ص ۲۱۱). از نظر اسلام انسان‌ها نه تنها در تقدیر و مقدار استعدادها، امکانات مساوی نیستند، بلکه در پذیرش شغل نیز بایکدیگر متفاوت هستند. از این رو نه تنها زن‌ها با مردها تفاوت دارند که مردها با مردها هم متفاوت می‌باشند. این تفاوت‌ها هیچ‌گونه امتیازی برای سعی ایجاد نمی‌کند بلکه آنچه مایه افتخار است سعی اوست. آن‌طور که قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَأَنْ كُنْتُمْ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»؛ (نجم/۳۹)، (هیچکس بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌گیرد)؛ (و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش اگر بیکاری در جامعه محقق شود در این چنین حالتی فرد هیچ‌گونه فایده‌ای در خود نمی‌بیند و همین مسأله اگر به درازا انجامد، فقر را پدید می‌آورد و در ادامه منجر به بروز بسیاری از جرم و جنایت‌ها شود. در اهمیت این مسئله خداوند فرمودند: «وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرٌ

اللَّهُ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ»؛ (غافر/۷۸)؛ (وهیچ پیامبری حق نداشت معجزه‌ای جز به فرمان خدا بیاورد و هنگامی که فرمان خداوند صادر شود، به حق داوری خواهد شد و آنجا اهل باطل زیان خواهند کرد). آیه افرادی که بیکار هستند و به دنبال رزق روزی حلال نمی‌روند را مورد سرزنش قرار داده است. این در حالی است که پیامبر رحمت را در مقام والای خویش با بوسه زدن بر دستان پینه بسته کارگر حجتی برای امت قرار داده است که باید از طریق کار و تلاش امور اقتصادی خود و جامعه را سروسامان دهد (ابن اثیر، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۳۷). امام علی (ع) نیز فرمودند: «شُغِلَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ امَامَهُ»؛ (خطبه ۱۶)؛ (آن کس که بهشت و دوزخ را پیش روی خود دارد، در تلاش است). سخن امام (ع) نشان داد که انسان‌ها به سوی بهشت و دوزخ در حرکتند، چنین انسانی نمی‌تواند بی تفاوت و بیکار باشد بلکه باید مشغول شود و به مسئولیت‌های خود روی آورد و خود را در برابر خداوند نسبت به همه انسان‌ها، موجودات هستی و چهارپایان مسئول بداند. از پیامبر اکرم (ص) در این باره نقل شده است: «ای أحمد عبادت است که، نه قسمت آن کسب روزی حلال است سپس هر گاه غذا و نوشیدنی خود را پاک ساختی و از راه حلال به دست آوری تودر حمایت من هستی (کلینی، بی تا، ج ۲، ص ۳۳۰). این سخن پیامبر اکرم (ص) حاکی از آن است که مالی که از راه صحیح به دست آید دارای ارزش و اعتبار است. از این رو ضروری است که دولتمردان به این مسأله توجه داشته باشند و با فراهم آوردن کار و شغل زمینه را برای رشد اقتصادی جامعه فراهم آورند.

۶- مشارکت دولت و ملت در معنویت و اخلاق

از دیگر موارد مشارکت هر دو در معنویت و اخلاق است. اخلاق، جمع «خُلِقَ» و «خُلِقَ» به معنای سرشت، خوی، و به معنای مجموعه صفات درونی و باطنی انسان است به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۹۷). در اصطلاح، به صفاتی اطلاق می‌شود، که بر اثر تکرار در نفس انسان به صورت ملکه درآمده و رفتار مناسب آن بدون تأمل از انسان صادر می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۷۴). آموزه‌های اخلاقی نقش اساسی در زندگی انسان‌ها ایفا می‌کنند؛ و از جایگاه والایی برخوردار می‌باشند تا آنجا که در قرآن کریم آمده است: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»؛ (هیچکس بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌گیرد)؛ (و این که برای انسان بهره‌ای جز سعی و

کوشش او نیست.) (النجم/۳۹). قرآن بهره‌ انسان را متناسب با سعی او می‌شمرد و بیان می‌کند که بدون تردید میزان درآمد و روزی انسان‌ها بی‌ارتباط با میزان تلاش آن‌ها نیست. البته تنها عامل تأثیرگذار منحصر به این نیست بلکه آنچه پایه اصلی پیروزی‌ها را تشکیل می‌دهد تلاش و سعی و کوشش آدمی است آنها که سختکوش‌ترند پیروزترند و آن‌ها که تنبل‌تر و کم‌تلاش‌ترند، محروم‌ترند (طبرسی، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص ۳۵۶). همچنین آمده است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ (اعراف/۹۶)، (و اگر اهل آبادی‌ها ایمان آورده و تقوی می‌ورزیدند، هر آینه با بهای برکات آسمان و زمین را به رویشان می‌گشودیم، اما تکذیب کردند و لذا به واسطه اعمالی که کردند آن‌ها را مؤاخذه نمودیم). واژه «برکات» در این آیه جمع برکت و به معنای ثبات و استقرار هر چیزی است و به هر نعمت و موهبتی که پایدار بماند اطلاق می‌گردد (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۹۶). آیات قبل از این آیه در ابتدا مجازات‌های شدید مجرمان را توصیف می‌کند گاهی به صاعقه، گاهی به زلزله‌های وحشتناک اشاره دارد و این آیه توجیه این مجازات‌ها را منحصر در اعمال انسان‌ها بیان می‌کند و گرنه اگر انسان پاک و با ایمان باشد به جای آن که عذاب از آسمان و زمین فرارسد، برکات خدا از آسمان و زمین بر او می‌بارد. از این رو اگر جوامع انسانی ایمان و تقوا داشته باشند این مواهب الهی به شکل دیگری در میان آن‌ها در می‌آید و و آثار آن باقی و برقرار خواهد ماند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۲۲۶). اهداف مربوط به رسالت انبیا که همانا راهنمایی انسان‌ها به سمت و سوی سعادت و بازداشتن اختیاری آنان از پیمودن طرقي است که موجب شقاوت می‌گردد. چنانچه پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»، ایشان هدف از مبعوث شدن خود را کامل کردن مکارم اخلاق می‌دانند که خود نشان از نقش اخلاق در سعادت و کمال انسان‌هاست (قمی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۶۷۶). در کلامی دیگر فرمودند: «عبادت، نه قسمت آن کسب روزی حلال است سپس هر گاه غذا و نوشیدنی خود را پاک ساختی و از راه حلال بدست آوری تو در حمایت من هستی (مجلسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۳۰). سخن ایشان نشان داد معنویت و اخلاق تنها منحصر به عبادات و امور فردی محدود نشود بلکه باید به دیگر زمینه‌ها و از جمله امور اقتصادی و مالی سرایت کند و بدانند که رزق و روزی و حتی مقدار آن از سوی خداوند سبحان است. انسان‌ها هر تلاشی را که انجام می‌دهند که روزی دست خداست و در عین

تلاش و تدبیر نباید دعا و تقدیر را فراموش کرد (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۴۵). برای تحقق این امر تلاش دولت و مردم را می‌طلبد که هر دو بدون هیچ‌گونه چشمداشتی و تنها با هدف رسیدن به یک جامعه سالم و به دور از فساد تلاش کنند و از زیاده‌روی در مصرف پرهیزند. پرواضح است که انسان معتقد به این نظام اخلاقی در عرصه نظام اقتصادی خویش نیرویی هدفدار، دارای وجدان کار و عامل به کار متقن است و آثار اعتقاد به نظام اخلاقی مشخصی بر شیوه‌های فعالیت اقتصادی وی حاکم است. که متأسفانه امروزه رسیدن به آن نادرست است.

نتایج

مهم‌ترین دستاوردهای تحقیق مورد نظر به شرح ذیل است:

۱. دولتمردان برای آن که در رابطه خود با مردم موفقیتی را حاصل کنند باید با صداقت و به دور از هرگونه شبهه و نگرشی با مردم صحبت کرده و سعی کنند با استناد به آیات قرآن کریم و الگوگیری از سیره معصومان (ع) در تحقق عدالت اقتصادی و تعادل در جامعه دست افراد ثروتمندی که روزبه‌روز با دلایل مختلف بر ثروتشان افزوده می‌شود جلوگیری کنند از این رو فعالیت‌های آنان باید در چارچوب خاصی صورت گیرد. مسائلی چون تأمین نیازهای معیشتی مردم، داشتن اقتصاد پویا در جهت عدم وابستگی به دشمنان و ... تحقق آن باید در سایه حمایت و پذیرش مردم صورت گیرد. در این صورت دولت موفقیت‌هایی را کسب خواهد کرد چراکه اگر مردم بیش از نیاز خود کالایی را مصرف نمایند و از جهتی تولیدکنندگان هم با هدف گرانی کالای مد نظر مردم به احتکار آن اقدام نمایند این عامل سبب خواهد شد دیگر دولت نتواند در این زمینه موفقیتی را کسب نماید.
۲. دولت در راستای عدالت اقتصادی باید بر بازار کالاها نظارت کافی داشته باشد به گونه‌ای که اجازه هیچ‌گونه گرانی کالاها از سوی برخی تولیدکنندگانی که با هدف دریافت سود بیشتر به این کار اقدام می‌کنند جلوگیری نمایند و همین اقدام سبب می‌شود بدون گرانی کالاها تمام افراد به‌ویژه فقرا از گرانی کالاها نگرانی نداشته باشند و آنان نیز مایحتاج خود را دریافت نمایند. البته دستیابی به آن جز با همکاری و مشارکت مردم تحقق نخواهد یافت.

فهرست منابع

- «قرآن کریم»، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی (۱۳۷۷ش). قم: حوزه علمیه قم.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبیه الله (۱۹۹۰م). «شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید». تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: داراحیاء التراث العربیه، اول.
- ابن اثیر جزری، مجدالدین ابو السعادات مبارک بن محمد شیبانی (۱۴۲۲)، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق: محمد ابو الفضل عاشور، بیروت: داراحیاء التراث العربی، الطبعة الأولى.
- ابوالفتحی قمی، ابوالفضل (۱۳۷۱ش). درآمدی بر شناخت شاخص های نابرابری درآمد و فقر، تهران: مرکز آمار ایران، دوم.
- تقوی دامغانی، سید رضا (۱۳۶۹ش). «مالیات در نظام اسلامی». تهران: سازمان تبلیغات اسلامی. مرکز چاپ و نشر. اول.
- تفضلی، فریدون (۱۳۷۲ش). «تاریخ عقاید اقتصادی». تهران: نشر نی، اول.
- جرداق، جرج (۱۳۷۹ش). «الامام علی (ع) صوت العدالة الإنسانية». ترجمه: سید هادی خسروشاهی. قم: انتشارات کلبه شروق.
- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر (۱۳۷۱ش). «مقدمه عمومی علم حقوق». تهران: کتابخانه گنج دانش. اول.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۳ش). «شریعت در آئینه معرفت». تهران: رجا. دوم.
- حاجی زاد میمنندی، مسعود (۱۳۷۷ق)، «جامعه شناسی کار». تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، اول.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۲ش). «جامعه سازی قرآنی». قم: دلیل ما، اول.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). «وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه». قم: آل البیت التراث.
- خورشید، احمد (۱۳۷۴ش)، «مطالعاتی در اقتصاد اسلامی». ترجمه: محمد جواد مهدوی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، اول.
- دشتی، محمد (۱۳۸۷ش). «نهج البلاغه». قم: امام عصر (عج)، اول.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲ش). «لغت نامه دهخدا». زیر نظر: محمد معین و جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران. اول.
- دیلمی، حسن بن محمد، مسعود آذربایجانی (۱۳۹۶ش). «اخلاق اسلامی». تهران: وزیری. دوم.
- دادگر، یدالله (۱۳۹۱ش). «درآمدی بر روش شناسی علم اقتصاد». تهران: نشر نی. دوم.
- رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۳۸۵ش). «تاریخ انبیاء». قم: بوستان کتاب، اول.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). «مفردات ألفاظ القرآن». تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم و الدار الشامیه.
- سبحانی، حسن (۱۳۷۲ش). «نظام اقتصاد اسلام». تهران: سازمان تبلیغات اسلامی. دوم.
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۳ش). «آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات) آوای نور. یازدهم.

- شفیع آبادی، عبدالله (۱۳۷۳ق)، آشنایی با برنامه‌ریزی تحصیلی و شغلی. تهران: وزارت آموزش و پرورش، اول.
- صدر، سیدمحمد باقر (۱۳۶۰ش). «اقتصاد ما»، ترجمه: عبدالعلی اسپهبدی، تهران: انتشارات اسلامی. دوم.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۹ش). «المیزان فی تفسیر القرآن». تهران: دارالکتب الإسلامیة، الطبعة الثانية.
- طبرسی، شیخ ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۸۲ش). «مجمع البیان فی تفسیر القرآن». تحقیق: شیخ ابوالحسن الشعرانی، تهران: کتابفروشی اسلامیة، الطبعة الثالثة.
- طیبی شبستری، سید احمد (۱۳۴۸ش). فقر از نظر اسلام. بی‌جا: مؤسسه فرهنگی احسان. دوم.
- عزتی، مرتضی (۱۳۹۴ش). «اقتصاد خرد: تحلیل رفتارهای اقتصادی در چارچوب اسلامی». قم: گلهبا. دوم.
- عیوضلو، حسین (۱۳۸۴ش)، «عدالت و کارآیی در تطبیق با نظام اقتصادی اسلام». تهران: امام صادق (ع)، دوم.
- فیض الاسلام، سید علی نقی (۱۳۷۰ش). «ترجمه و تفسیر نهج البلاغه». تهران: فیض الاسلام. اول.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱ش). «قاموس قرآن». تهران: دارالکتب الإسلامیة. ششم.
- قمی، عباس (۱۴۰۲ق). سفینه البحار، تهران: فراهانی. اول.
- کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (بی تا). «الکافی (الأصول من الکافی)». تحقیق: علی اکبر غفاری. بیروت: دارصعب و دارالتعارف، الطبعة الرابعة.
- کومارسن، آمارتیا (۱۳۷۹ش). «آزادی و برابری، ترجمه: حسن فشارکی. تهران: مؤسسه نشر و پژوهش شیرازه، اول.
- متقی الهندی، علاء الدین بن حسام الدین (۱۴۰۹ق). «کنز العمال فی احادیث الأقوال و الأفعال». بیروت: مؤسسه الرسالة.
- موریس دوورژه، (۱۳۸۵ش). «رژیم‌های سیاسی». ترجمه: ابوالفضل قاضی، تهران: جاویدان، اول.
- مجلسی، شیخ محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۸۸ش). «بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار». تهران: انتشارات اسلامیة. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۹ش). «میزان الحکمة». ترجمه: حمیدرضا شیخی، دوم.
- محمودی محمد باقر (۱۳۸۷ش). «نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه». بیروت: مؤسسه التضامن الفکری. دوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۷ش)، ده گفتار. قم: انتشارات صدرا. اول.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷ش). «تفسیر نمونه». قم: انتشارات جامعه مدرسین قم. ششم.
- معینی نیا، مریم (۱۳۸۵ش). «سیره اداری امام علی (ع)». تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، دوم.
- میر معزی، سید حسین (۱۳۹۱ش). «نظام اقتصاد اسلامی». تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دوم.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۴۱۲ق). (صحیح مسلم). تصحیح: محمد فؤاد عبد الباقی، قم: دارالحدیث، دوم.
- ویلیام نوردهاوس، پل آنتونی سامو نلسن (۱۳۸۸ش)، «اصول علم اقتصاد»، ترجمه: مرتضی محمد خان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، اول.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). حقوق و عدالت، مجله نقد و نظر، سال سوم، شماره ۳-۲، ص ۴۵.

